

شادی‌های کودکانه در سالن‌های جشنواره



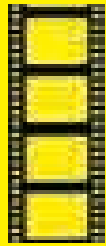
فصل پاییز

کلاغه میگه خبر خبر
پرستوها میرن سفر
حالا که فصل پاییزه
برگ درختا می ریزه
بارون می باره نم نم
یه وقت زیاد یه وقت کم
هوا یه خرده سرده
برگ درختا زرده
پاییز خیلی قشنگه
ببین چه رنگارنگه





اخبر جشنواره فیلم



مدیر کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان همدان:

المپیاد فیلمسازی یک اتفاق اثر گذار در حوزه فیلم است



داد و گفت: با هماهنگی دبیر جشنواره قرار است برخی از عوامل سازنده که از چهره های بین المللی سینمای جهان هستند در جشنواره حاضر شوند.

نخستین المپیاد فیلمسازی به عنوان یک اتفاق اثر گذار در حوزه فیلم سازی استان است که همزمان با بیست و نهمین جشنواره بین المللی فیلم های نوجوان برگزار می شود. مسئول کمیته افتتاحیه و برنامه های جنبی بیست و نهمین جشنواره بین المللی فیلم های نوجوانان بیان کرد: ۹۰ هنرمند نوجوان در بخش المپیاد فیلمسازی در همدان حضور دارند. محمد رضا جوادی از نمایش فیلم سینمایی محمد رسول الله (ص) با حضور مجید مجیدی، کارگردان فیلم خبر

نوجوان فیلمساز تبریزی:

المپیاد محلی برای معرفی آثار هنرمندان



نوجوان فیلمساز تبریزی سطح آثار راه یافته به المپیاد را مطلوب ارزیابی کرد و افزود: فیلمسازان نوجوان حاضر در جشنواره تمام تلاش خود را برای ارائه یک اثر خوب به کار برده اند اما سلاقی در انتخاب برترین ها با یکدیگر متفاوت است.

احمد نیری اظهار کرد: هم اکنون همه استان های کشور دارای دفاتر سینمایی هستند و استعدادیابی افراد باید توسط این دفاتر انجام شود.

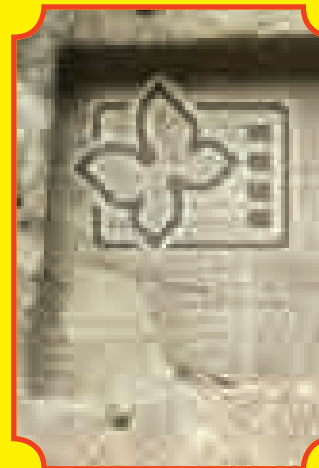
وی اضافه کرد: این المپیاد باید جایی برای معرفی آثار هنرمندان به یکدیگر و زمینه ای برای انتقال تجربیات باشد.

وی بیان کرد: دفاتر سینمایی استان ها نیز توانایی خوبی در معرفی آثار خوب در بخش فیلم کوتاه دارند.

نیری تداوم برگزاری این المپیاد را وابسته به سطح تولیدات عنوان کرد و افزود: هر چقدر سطح تولیدات افزایش بیشتری داشته باشد انگیزه فیلمسازان نوجوان برای حضور در سال های آینده بیشتر خواهد شد. نخستین المپیاد فیلمسازی و بیست و نهمین جشنواره بین المللی فیلم نوجوان از سوم تا هشتم مهرماه در همدان در حال برگزاری است.

نوجوان فیلمساز :

کمیود اعتبارات موجب افت کیفیت فیلم های کوتاه می شود



یک نوجوان فیلمساز گفت: کمیود اعتبارات و منابع مالی موجب افول سطح فیلم های کوتاه می شود و این امر می تواند کیفیت المپیاد فیلمسازی را تحت تاثیر قرار دهد. به گزارش ارتباطات و اطلاع رسانی جشنواره، فرهاد سلطانی اظهار کرد: اگر فیلمساز پول و منبع مالی مورد نیاز را در دسترس نداشته باشد نمی تواند یک کار خوب و مخاطب پسند تولید کند.

فیلمساز نوجوان البرزی گفت: تاکنون سه فیلم کوتاه تولید کرده ام و تلاش خود را برای حضور در سال های آینده این المپیاد به کار می گیرم.

وی اضافه کرد: تاکنون استقبال استان همدان از حاضران در این جشنواره مطلوب است و امیدواریم داورها در آثار نیز بدین گونه باشد.

نخستین المپیاد فیلمسازی و بیست و نهمین جشنواره بین المللی فیلم نوجوانان سوم تا هشتم در همدان برگزار می شود.

پروانه و پيله

شکاف کوچکی بر روی پيله کرم ابریشمی ظاهر شد. مردی ساعت ها با دقت به تلاش پروانه برای خارج شدن از پيله نگاه کرد.

پروانه دست از تلاش برداشت. به نظر می رسید خسته شده و نمی تواند

به تلاش هایش ادامه دهد. او تصمیم گرفت به این مخلوق کوچک کمک کند.

با استفاده از قیچی شکاف را پهن تر کرد. پروانه به راحتی از پيله خارج شد ،

اما بدنش کوچک و بال هایش چروکیده بود. مرد به پروانه همچنان زل زده بود .

انتظار داشت پروانه برای محافظت از بدنش بال هایش را باز کند. اما این طور نشد.

در حقیقت پروانه مجبور بود باقی عمرش را روی زمین بخزد، و نمی توانست پرواز کند.

مرد مهربان پی نبرد که خدا محدودیت را برای پيله و تلاش برای خروج را برای پروانه بوجد آورده.

به این صورت که مایع خاصی از بدنش ترشح می شود که او را قادر به پرواز می کند.

بعضی اوقات تلاش و کوشش تنها چیزی است که باید انجام دهیم.

اگر خدا آسودگی بدون هیچگونه سختی را برای ما مهیا کرده بود.

در این صورت فلج می شدیم و نمی توانستیم نیرومند شویم و پرواز کنیم.

butterfly & the cocoon

A small crack appeared on a cocoon

A man sat for hours and watched carefully

the struggle of the butterfly to get out of that small crack of cocoon. Then the butterfly stopped striving.

It seemed that she was exhausted and couldn't go on trying.

The man decided to help the poor creature.

He widened the crack by scissors. The butterfly came out of cocoon easily,

but her body was tiny and her wings were wrinkled.

The man continued watching the butterfly.

He expected to see her wings become expanded to protect her body.

But it didn't happen! As a matter of fact, the butterfly had to crawl on the ground for the rest of her life,

for she could never fly.

The kind man didn't realize that God had

arranged the limitation of cocoon and

also the struggle for butterfly to get out of it,

so that a certain fluid could be discharged from her body to enable her to fly afterward.

Sometimes struggling is the only thing we need to do.

If God had provided us with an easy to live without any difficulties then we become paralyzed, couldn't become strong and could not fly.

Don't worry, fight with difficulties and be sure

that you can prevail over them.

بكتاش:

جشنواره فیلم فرصت پیوند شاعران حوزه نوجوان با اهالی سینماست

عنوان مشاور می توانند کنار اهالی سینما باشند، بیان کرد: جشنواره بین المللی فیلم های نوجوانان می تواند فرصتی برای پژوهشگران در حوزه کودک و نوجوان ایجاد کند و این اتفاق مهمی است.

نخستین المپیاد فیلمسازی و بیست و نهمین جشنواره بین المللی فیلم های نوجوان سوم تا هشتم مهرماه در شهر باستانی همدان برگزار می شود.



داور بخش کودک و نوجوان جشنواره شعر فجر گفت: تفکیک بخش کودک و نوجوان در جشنواره فیلم های کودکان و نوجوانان اتفاق کارشناسانه و مهمی است.

غلامرضا بکتاش اظهار کرد: این تفکیک می تواند شروعی برای ساخت فیلم در حوزه نوجوان و پرداختن به دغدغه های این گروه سنی باشد.

وی ادبیات را پایه و زیربنای تولید یک فیلم خوب دانست و تأکید کرد: با ایجاد ارتباط بین شاعران و نویسندگان حوزه کودک و نوجوان و اهالی سینما، می توان شاهد ساخت فیلم های خوبی بود.

وی بیان کرد: فیلمنامه نویسانی در سینما داریم که شاعر و نویسنده حوزه کودک و نوجوان هستند و به همین دلیل کارهای خوبی را عرضه کرده اند.

بکتاش با بیان اینکه جشنواره فیلم نوجوان در همدان می تواند فرصتی برای پیوند بین شاعران و نویسندگان حوزه کودک و نوجوان باشد، افزود: استان همدان دارای شاعران و نویسندگان شناخته شده ای در حوزه کودک و نوجوان است.

وی که معتقد است شاعران و نویسندگان حوزه کودک و نوجوان به



«نه گفتم که نمی شه؟»

«ولی مامان...؟»

«وقتی می گم نه یعنی نه؟»

«آخه چرا؟»

«برای اینکه درسات مهمتره»

فایده ای نداشت. مرغ مادر یک پا داشت. خیلی دوست داشتم منم همراه بچه ها به جشنواره بین المللی تتاتر کودک ونوجوان همدان بروم. بیشتر دوستانم لاقل یکبار را رفته بودند اما مادرم راضی نمی شد. داداش کریم که از چراگاه برگشت گوسفندان را توی آغول جا داد و دوید توی اتاق. کیف و کتابش را برداشت رفت مدرسه. نشستم کنار دار قالی... دلم به حالش می سوخت باید شبانه درس می خواند. اگر بابا زنده بود، مجبور نبود شبانه درس بخواند و... شاید هم به من اجازه می داد بروم جشنواره تتاتر.

«مریم!...مریم!...با توام!...هیچ معلومه حواست کجاست؟...یه ساعته اکرم داره صدات می کنه! از جا بلند شدم و رفتم جلوی در. اکرم تا مرا دید پرسید: «چی شد بالاخره فردا میای؟» مادر به جایم جواب داد: «نه، مریم کار داره!»

اکرم بغض کرد و گفت: «طوبی خانم چرا اجازه نمی دین مریم بیاد؟» مادر گفت: «نگفتم اجازه نمی دم گفتم کار داره!» خندیدم و گفتم: «یعنی اگه کارا رو انجام بدم...!»

مادر گفت: «می تونی بری!»

با خوشحال فریاد زدم: «هورا... منم می تونم پیام جشنواره!» مادر گفت: «اول باید قالی تو تموم کنی!...می تونی؟»

هاج و واج پرسیدم: «چی؟...قالی؟...اما قالی که تا صبح تموم نمیشه!»

مادر گفت: «نمی تونی تمومش کنی نرو، بعد از پله ها پایین رفت و بیل به دست به سمت باغ هلو رفت.

اکرم گفت: «ناراحت نباش منم کمکت می کنم!» «راس می گی؟...»

«دروغم چیه؟...تو برو مشغول شو، منم می رم از مامانم اجازه می گیرم و بر می گردم!»

اکرم این را گفت و دوید به سمت در. منتظر رفتنش نشدم و زود نشستم پای قالی. چند رج

داستان



* تصویر گر: منا آقامحمدی

بیشتر نبافته بودم که اکرم با مهری، دختر عمه اش و کوکب خواهرش از در وارد شدند. خیلی خوشحال شدم. مهری و کوکب دو سه سالی از ما بزرگتر بودند و توی قالی بافی کسی به گرد پایشان نمی رسید.

اکرم بلند نقشه را می خواند و ماهم تند تند گره می زدیم. اصلا نفهمیدم چطور رج های قالی بالا آمدند و قبل از رسیدن مادر، قالی تمام شد. کار که تمام شد بچه ها به خانه شان برگشتند. درست نیم ساعت قبل از تمام شدن نوبت آبیاری باغ.

تمام وسایلی را که فکر می کردم برای اردوی یک روزه فردا احتیاج دارم جمع کردم توی کیفم تا صبح چیزی را جا نگذارم. توی رختخواب دراز کشیدم. هنوز چشمهایم گرم نشده بود که صدای مادر در گوشم پیچید: «مریم! چطوری تونستی قالی رو تموم کنی؟»

پلکهای سنگینم را که باز کردم مادر با چشمهای از حدقه در آمده بالای سرم نشسته بود و به من نگاه می کرد. منم راستش را به مادر گفتم و پرسیدم: «یادتون که هست چی گفتین!...قول دادید اگه قالی رو تموم کنم اجازه بدید منم برم!» مادر گفت: «درسته اما تو اینکارو تنهایی انجام ندادی، تقلب کردی!...فردا هم حق نداری جایی بری!» خواب از چشمانم پرید و گفتم: «چی؟؟؟اما شما!...».

«اصلا حرفشمن نزن!» مادر این را گفت و از اتاق بیرون رفت. پتو را روی سرم کشیدم و تا خود صبح گریه کردم. نفهمیدم کی خوابم برد. صدای خروس که توی خانه پیچید از خواب بیدار شدم اما حوصله بیدار شدن نداشتم. از جایم جم نخوردم مادر چند بار از بالای سرم رد شد اما عجیب بود که بیدارم نکرد. نزدیک ساعت ده صبح بود که صدای اکرم توی حیاط خانه پیچید. با تعجب از جا بلند شدم. از پنجره

نگاهی به حیاط انداختم. اشتباه نکرده بودم خود اکرم بود. چشمهایم گرد شد و گفتم: «مگه نرفتی اردو؟» خندید و گفت: «نه، موند برای پس فردا!...»

گفتم: «چطور؟» از پله های تراس بالا آمدم و گفتم: «مادرت نیست؟» گفتم: «نه تخم مرغ ها رو برده مغازه اکبر آقا!...کارش داری؟» از همان پنجره امد تو و مچ دستم را گرفت و دنبال خودش کشید و گفت: «زود باش تا برنگشته باید یه چیزی رو نشونت بدم...باورت نمی شه کارناوال نمایشی اومده به دهمون!...همینجا...»

همین محله...اهل ده همه جمع شدن... دیگر منتظر نشدم جمله اش را تمام کند و از او جلوتر دویدم بیرون. خیلی شلوغ بود. بزور از لایه لای جمعیت جلو رفتم. باورم نمی شد...عمو پورنگ، گروه نمایشی فیتله...خانم مجری... چقدر دلم می خواست برای یکبار هم که شده آنها را از نزدیک ببینم. روی یکی از صندلی هایی که آنجا بود نشستم و مشغول نگاه کردن شدم...برنامه ها که تمام شد تازه متوجه شدم مادر کنارم نشسته.خواستم یواشکی تا در بروم که مادر نگاهم کرد و گفت: «چقدر برنامهشون قشنگ بود.پس جشنواره، جشنواره می کنن اینه؟» گفتم: «نه، اونجور که خانوم می گفت از این مفصل تره!...»

«دستت درد نکنه مریم جون!یه ساعته دارم دنبالت می گمردم اونوقت نشستستی اینجا و...چشم اکرم تا به مادر افتاد، ساکت شد.مادر پرسید: «وا؟!...مگه شما نرفتید اردو؟»

«نه خانم مدیر گفتن حالا که کاروان شادی اومده اینجا اردو بمونه برای دو روزه دیگه»، مادر چشمهایش برقی زد و گفت: «اونجام بزرگترا رو هم راه می دن؟» من و اکرم با تعجب بهم نگاه کردیم.

* لیلیا صادق محمدی،

اخبار جشنواره فیلم

جیندا ماسیکانو داور نوجوان ایتالیایی:

فیلم های کودک و نوجوان باید رده سنی داشته باشند

وی با بیان اینکه

فیلم های کودک

مشخصه های خاص

خودش را دارد گفت: فیلم کودک در ابتدا باید جذاب باشد و در کنار آن جذابیت داستان نیز مهم است.

این داور در ادامه خاطرنشان کرد: فیلم کودک فیلمی است که داستانش تنها مربوط به کودک باشد ضمن اینکه امروز دیگر بچه ها انیمیشن دوست ندارند.

جیندا ماسیکانو ضمن ابراز خرسندی از اینکه به جشنواره فیلم نوجوانان ایران آمده است گفت: در ایران فیلم های خوبی ساخته می شود و مردم آن بسیار مهربان و صمیمی هستند.

زیادی فیلم کوتاه دیدم همه فیلم ها را دوست داشتم ضمن اینکه برخی از آنها از کیفیت بسیار خوبی برخوردار بودند.

این داور ایتالیایی در ادامه خاطرنشان کرد: در جشنواره جیفونی فیلم های کودک زیادی از ایران را دیده بودم و با سینمای کودک ایران تا اندازه ای آشنا بودم. ماسیکانو با بیان اینکه فیلم های کودک باید رده سنی داشته باشد گفت: درکشور ما ایتالیا برای فیلم های کودک رده سنی مشخص کردند

که دو سال دو به سال است و با توجه به سن کودکان و نوجوانان، فیلم ها را انتخاب می کنند که کدام فیلم برای کدام رده سنی مناسب تر است.

جیندا ماسیکانو داور نوجوان ایتالیایی معتقد است که فیلم های کودک و نوجوان باید رده سنی داشته باشد و بر اساس رده های سنی فیلم ها برای دیدن انتخاب شوند.

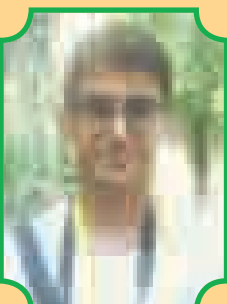
«جیندا ماسیکانو» داور ۱۳ ساله بخش بین الملل گفت: تا به امروز در سه جشنواره جیفونی ایتالیا که از مهمترین جشنواره های کودک در دنیا است به عنوان داور شرکت کردم و در این سه دوره تجربیات بسیار خوبی کسب کرده ام.

وی با بیان اینکه جشنواره فیلم نوجوان در ایران از کیفیت خوبی برخوردار است، در ادامه افزود: در این مدت هشت فیلم بلند و تعداد



«مانل باستی ینو» داور ایتالیایی:

سطح فیلمبرداری فیلم های ایرانی بالاست



داور نوجوان ایتالیایی جشنواره نوجوان معتقد است نگاه کودکان و نوجوانان امروز بازتر شده و هر نوع فیلمی را نمی توان برای آنها در نظر گرفت.

«مانل باستی ینو» ۱۳ ساله که در جشنواره فیلم نوجوانان به عنوان داور حضور دارد، گفت: در این جشنواره فیلم های زیادی را دیدم که برخی از آنها از نظر سطح فیلمبرداری از کیفیت بسیار

بالایی برخوردارند و همین موضوع من را بسیار جذب این فیلم ها کرد. وی ادامه داد: در جشنواره جیفونی ایتالیا هم به عنوان داور حضور داشتم و شاهد هستم که در سال های اخیر به سینمای کودک و نوجوان اهمیت بسیار زیادی داده می شود.

این داور ایتالیایی با بیان اینکه فیلم های کودک و نوجوان نسبت به ژانر بزرگسال از اهمیت بیشتری برخوردار است، گفت: در فیلم های کودک و نوجوان بازی بازیگرها و داستان بسیار مهم است زیرا مخاطب اصلی کودکان هستند .

اهونا چودوری داور بنگلادشی:

کودکان امروز تنها به انیمیشن بسنده نمی کنند

داور ۱۱ ساله بنگلادشی معتقد است که امروز بیشتر داستان های فیلم های نوجوان درباره زمین و اتفاقاتی است که در زمین می افتد بنابراین باید دید فیلمسازان هم برای ساخت فیلم و انیمیشن برای کودکان بالاتر رود.

اهونا چودوری گفت: اولین بار است که به ایران می آیند و به عنوان داور شرکت دارد و فیلم های زیادی را در مدتی که به ایران آمده در



جشنواره دیده است.

وی ادامه داد: با اینکه مفهوم برخی فیلم ها نمی فهمدم اما به جرات می توانم بگویم فیلم های ایرانی از سطح بالایی برخوردار بوده است.

چودوری در ادامه خاطرنشان کرد: در بنگلادش برای نمایش فیلم های کودک و نوجوان تقسیم بندی سنی وجود دارد که با توجه به آن فیلم ها برای کودکان و نوجوانان انتخاب می شوند.

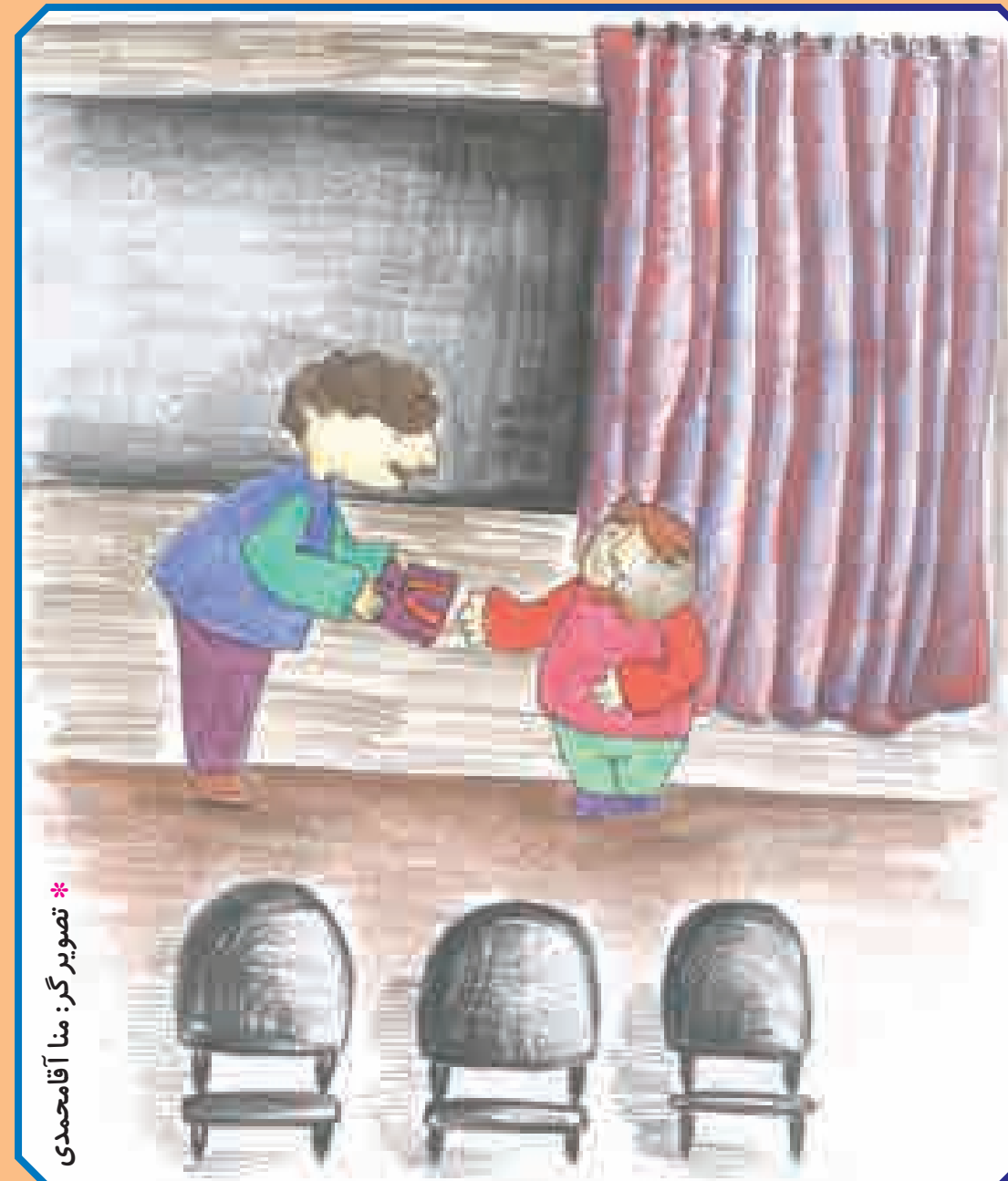


قصاوت

داستان
آموزنده

هر فیلمیو تماشاکنم، چون فیلمهای جشنواره بودن نگاشون کردم. آخه هر فیلمی که مناسب نیست، موضوع و محتوایش باید مناسب سن آدم باشه، نو باشه، حرفی برای گفتن داشته باشه، داستانش باید آموزنده باشه، تازه فقط اینا که نیست... کارگردانی قوی، فیلمنامه جوندارو خلاقانه و... همینطور ادامه داد. توجه ای به اطراف و تماشاچیان که هنگام عبور از کنارمان مجذوب حرفهایش شده بودند و دور ما را گرفته بودند نداشت. وقتی این حرفها را می زد چشمهایش برق می زد و در آخر گفت: «ببخشید مزاحمتون شدم، چون شما داورید دوست داشتم حرف دل مارو هم به گوش فیلمسازانی که برای ما نو جوونا فیلم می سازن برسونین!» از خودم خجالت کشیدم. یکی از داوران فیلمهای جشنواره بودم اما نصف مطالبی را که مهدی گفت را هم نمی دانستم. نه اینکه ندانم اما برایم مهم نبود و توجه هی به

* لیلیا صادق محمدی *



* تصویرگر: منا آقامحمدی *

چیستان

- * آن چیست که اگر کسی آن را داشته باشد به کسی نمی گوید. اگر کسی آنرا بگیرد آنرا نمی شناسد. و کسی که آنرا بشناسد آنرا نمی گیرد.
- * آن چیست که هرچه از آن برمی دارند، بیشتر می شود؟
- * آن چیست که ورزشکاران به خاطر شکستنش جایزه میگیرند؟
- * آن چیست که چه پُرباشد و چه خالی وزنش یکی است.
- * آن چیست که به دور خانه می چرخد ولی، هیچ گاه آن را لمس نمی کند؟
- * آن چیست که موقع خشک کردن خیس می شود؟
- * آن چیست که سیاه هست ولی زاغ نیست، پرنده است ولی کلاغ نیست؟

۱: ۸ چیست؟

۲: ۱۰ چیست؟

۳: ۱۰۰ چیست؟

۴: ۱۰۰۰ چیست؟

۵: ۱۰۰۰۰ چیست؟

۶: ۱۰۰۰۰۰ چیست؟

۷: ۱۰۰۰۰۰۰ چیست؟

۸: چیست؟



چیستان

* خرگوش کوچک را به مقصد برسان

بازی



لطیفه های خنده دار

جوراب های لنگه به لنگه

لطیفه

یک همسایه دلسوز دختر کوچولویی را که به مدرسه می رفت، متوقف ساخت و گفت: کوچولو! عجب جوراب های عجیبی به پا کرده ای، یک لنگه قرمز و یک لنگه آبی! دختر کوچولو با صدای بچه گانه اش گفت: عجیب تر این که یک جفت مثل همین جوراب ها هم توی خانه دارم!

ساندویچ فروشی

مردی به ساندویچ فروشی رفت و گفت: آقا لطفا یک ساندویچ مرغ به من بدهید. فقط گوجه فرنگی نگذارید. ساندویچ فروش: گوجه فرنگی تمام شده، می خواهید به جایش خیار شور نگذاریم.

صرف فعل

معلم: وقتی گفته می شود «من می روم، تو می روی، او می رود» چه زمانی است؟ شاگرد: این زمانی است که زنگ خورده و ناظم هم جلوی در ایستاده.